

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ازبکستان

محمد رضا قنبری سلحشور^۱

محمد مهدی بادامی^۲

مهدی باقری آشنا^۳

چکیده

امروزه دیپلماسی فرهنگی یکی از تاثیرگذارترین ابزارهایی است که دولتها در امور خارجی خود برای رسیدن به اهداف مورد نظر بکار می‌برند. بکارگیری مناسب و هوشمندانه دیپلماسی عمومی قدرت نرم کشورها را افزایش خواهد داد. امروزه به قدری قدرت نرم را موثر میدانند که گفته می‌شود گاه تاثیر یک رسانه از قدرت یک ارتش بیشتر است. ازبکستان به عنوان کشوری که در قلب آسیای مرکزی است و به عنوان مرکز فرهنگی منطقه شناخته میشود دارای ریشه های تاریخی و فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران است. این نوشتار در پی پاسخ به این سوال است که جمهوری اسلامی ایران چگونه میتواند از ظرفیتهای فرهنگی و تاریخی در ازبکستان بهره ببرد؟ فرض ما این است که جمهوری اسلامی ایران با بهره گیری از ظرفیت های فرهنگی، زبان فارسی، پیشینه مشترک تمدنی می تواند به ایجاد تصویری مثبت از خود اقدام کند و قدرت نرم خود را در این کشور افزایش دهد.

واژه‌گان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، اشتراکات فرهنگی، ازبکستان، سازه انگاری و قدرت نرم.

۱- مربی، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

md.ghanbary@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه مفید، قم، ایران.

۳- کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

جمهوری ازبکستان با جمعیتی در حدود ۳۲ میلیون نفر در قلب منطقه آسیای مرکزی قرار دارد. و با چهارصد و جهل و هفت هزار کیلومتر مربع در مرکز آسیای مرکزی و با تمام کشورهای منطقه بعلاوه افغانستان مرز مشترک دارد. پایتخت این کشور تاشکند و سمرقند و بخارا از شهرهای مهم این کشور هستند. بر طبق سازمان آمار ازبکستان هشتاد درصد جمعیت این کشور ازبک، پنج و نیم درصد روس، پنج درصد تاجیک، سه درصد قزاق، دو و نیم درصد قره‌قالپاق و یک و نیم درصد تاتارها و دو و نیم درصد را بقیه اقوام تشکیل می‌دهند. اما آمار غیر رسمی حاکی از این است که بیش از چهار درصد جمعیت این کشور را فارسی‌زبانان تاجیک تشکیل می‌دهند که عمدتاً در دو شهر بزرگ سمرقند و بخارا زندگی می‌کنند.

زبان رسمی این کشور ازبکی است و اصلاحات فارسی، ترکی و روسی به وفور در آن دیده می‌شود. همچنین به دلیل تسلط هفتاد ساله شوروی بر این کشور زبان روسی نیز در این کشور رایج است و نزدیک به یک سوم مردم این کشور نیز به زبان روسی صحبت می‌کنند. نزدیک به هشتاد و هفت درصد مردم این کشور مسلمان اهل سنت (حنفی) و مابقی مسیحی ارتودوکس هستند.

ازبکستان پس از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ به استقلال رسید. و سایه سنگین شوروی بر این کشور و دیگر جمهوری‌های این منطقه برداشته شد تا شرایط برای شروع همکاری بین دو کشور فراهم گردد. در ۱۹۹۱ که ازبکستان به استقلال رسید رهبران این کشور حزب کمونیسم را منحل و در اولین انتخاباتی که برگزار شد اسلام کریم اف به ریاست جمهوری این کشور برگزیده شد و تا زمان مرگ خود رییس جمهور ازبکستان باقی ماند. پس از مرگ اسلام کریم اف در انتخاباتی که در سال ۲۰۱۶ برگزار شد میرضیایف به عنوان دومین رییس جمهور این کشور برگزیده شد.

کشورهای آسیای مرکزی نسبت به سایر مناطق پیرامونی ایران از نظر تاریخی، تمدنی، قومیتی و فرهنگی با ایران نزدیکی بسیاری دارند. ازبکستان نیز از این مبحث مستثنا نیست و در حوزه تمدنی ایران قرار گرفته است. فرهنگ و هنر ایرانی، جشنهایی مانند نوروز و آداب رسوم مشترک مذهبی گوشه ای از اشتراکات تاریخی دو کشور است که می تواند دو ملت را بیش از پیش بهم نزدیکتر کند.

چارچوب نظری

پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باعث تضعیف تئوری واقعگرایی در نظام بین الملل گردید و می توان آنرا نقطه عطفی در نظریات سازه انگارانه در روابط بین الملل دانست. در رویکرد سازه انگاری تلاش می گردد تا عناصر فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط پیدا می کند مورد بررسی قرار گیرند. با نگاهی به دیدگاههای سازه انگاران می توان گفت که نظریه سازه انگاری از قابلیت بیشتری در مقایسه با نظریه های رایج برای تبیین دیپلماسی فرهنگی و آموزشی برخوردار است.

نظریه پردازان برجسته سازه انگاری و در راس آنها الکساندر ونت معتقدند که دنیای اجتماعی چیز خاص و معینی نیست، یعنی چیزی نیست که قوانین آن از طریق تحقیق علمی قابل کشف یا تشریح باشد. بلکه بیشتر زمینه ای بین ذهنی است. یعنی برای افرادی که آنرا ساخته اند و در آن زندگی می کنند و آنرا میفهمند دارای معنی است. این ساختار توسط افراد در زمان یا مکان خاص ساخته شده یا شکل گرفته است. سازه انگاران بر نقش عقاید و شناخت مشترک دنیای اجتماعی تأکید دارند. به عنوان مثال، مساله امنیت تنها از این واقعیت تشکیل نشده است که دو کشور دارای سلاح های هسته ای باشند، بلکه به این امر بستگی دارد که این دولتها چه دیدی نسبت به هم دارند. این دیدگاه بر مبنای شناخت مشترک قرار دارد. ۵۰۰ سلاح هسته ای انگلیسیها برای آمریکا نسبت به ۵ سلاح هسته ای

کره شمالی کم خطرتر است زیرا انگلیسیها دوستان آمریکا هستند و کره شمالی اینگونه نیست. مناسبات دوستانه و خصمانه حاصل فهم مشترک است (خضری، ۱۳۸۸: ۸۱).

سازه‌انگاران معتقدند که دولت‌ها با پیگیری سیاست‌های واقع‌گرایانه و افزایش توان نظامی و امنیتی و نگاه امنیتی به موضوعات خود باعث افزایش بروز جنگ و افزایش ناامنی هستند. آنان معتقدند که دید امنیتی به موضوعات باعث بالا بردن هزینه‌ها می‌شود و با تغییر آن به زمینه‌های دیگر مانند فرهنگی-اجتماعی می‌توان از بار این هزینه‌ها کاست. نتیجه تمام اختلاف‌ها و کشمکش‌ها شناخت نادرست از یکدیگر است. لذا معتقدند ایجاد امنیت یا ناامنی ناشی از هنجارها و ایده‌ها و نقش آنها در شکل‌گیری روابط است. باید هنجارها، ایده‌ها و نقش‌ها همگون ایجاد کرد. هرچقدر ادراک و فهم بازیگران از یکدیگر تفاوت داشته باشد، یعنی تمایز و اختلاف هویتی آنان بیشتر است و در پی آن تعارض بیشتر است. برای یکسان‌سازی در روابط، باید بسترهای فرهنگی-اجتماعی را در جهت نزدیکی بیشتر تقویت کرد. به طور کلی یکی از مختصات عمده نظریه سازه‌انگاری، توجه به ساختارهای فرهنگی و هنجاری در کنار عنصر مادی است به گونه‌ای که حتی در این شرایط، انگاره‌ها هستند که به عناصر مادی قدرت، مانند تسلیحات، سرزمین و جمعیت، معنا بخشیده و هنجارها در شکل‌منافع، دارای نقش عمده‌ای هستند (آدمی، ۱۳۹۲: ۴). از این رو از طریق ابزارهای فرهنگی و تاکید بر اشتراک زبانی مشترک و تاریخ و تمدن و اشتراکات مذهبی و فرهنگی و تاکید بر اشتراکات تمدن ایرانی-اسلامی بین جمهوری اسلامی ایران و ازبکستان می‌توان منافع مشترک را شناخت و دنبال کرد و با ایجاد فهم مشترک از تعارضها کاست و تصویری مثبت را در اذهان دو ملت ایجاد کرد.

قدرت نرم چیست؟

قدرت سخت در توانایی یک کشور در حوزه نظامی و اقتصادی تعریف می‌شود که از آن برای تسلط یا ضربه بر یک کشور به صورت نظامی و یا اقتصادی به صورت تحریم یا

بالعکس با دادن کمکهای مالی و نظامی برای رسیدن به اهداف مورد نظر استفاده میکند. اما گاه بدون استفاده از این تهدید یا پاداش ها میتوان می توان به اهداف مورد نظر رسید که به آن وجه دوم قدرت می گویند. تحسین ارزشهای یک کشور از طرف دیگر کشورها یا آرزوی رسیدن به آن سطح رفاه یا آزاداندیشی و همچنین ترغیب دیگران با آن چیزی که ما می خواهیم ممکن است که یک کشور را به اهدافش برساند. زیرا معمولا ترغیب بیشتر از تهدید و تحریم پاسخگوست و مردم بیش از آنکه مجبور به کاری باشند تمایل به همکاری دارند.

در واقع قدرت نرم بر قابلیت شکل دادن به علایق دیگران تکیه دارد. قدرت نرم توانایی تعیین اولویت هاست به گونه ای که با دارایی های نا ملموسی مثل: داشتن جذابیت های فرهنگی، شخصیتی، ارزشهای سیاسی و نهادی مرتبط و همسو باشد و یا سیاستهایی که مشروع به نظر رسیده و یا دارای اعتبار معنوی هستند را پدید آورد. قدرت نرم جهت ایجاد همکاری از روشی متفاوت از قدرت و اقتصاد استفاده می کند و آن جذابیت ارزشهای مشترک و درستی تکلیف ما برای همکاری در دستیابی به آن ارزشها می باشد(نای، ۱۳۸۹: ۴۳).

پس می توان گفت کشورها به دنبال آن هستند که با گسترش و ترویج فرهنگ خود به مثابه یک قدرت نرم به سه هدف؛ ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی دردیدگاه افکارعمومی بین الملل، کسب پرستیژ بین المللی و در نهایت مدیریت افکارعمومی نایل آیند (دهشیری، طاهری، ۱۳۹۵: ۵).

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سیاست عدم تعهد به دو بلوک قدرتمند شرق و غرب در صدر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. در اوایل انقلاب، صدور انقلاب به یکی از اصول اولیه دولتمردان جمهوری اسلامی تبدیل شده بود، اما در طول جنگ و پس از آن و بخاطر مصالح و مقتضیات زمان و بدلیل بازخورد منفی که در عرصه بین الملل داشت این

سیاست کنار گذاشته شد. اما همواره سیاست «نه شرقی، نه غربی» را با محوریت تفکرات اسلامی در سرلوحه‌ی عمل خود در سیاست خارجی قرار داده و به آن پایبند بوده‌اند. با پیگیری هدف ایجاد یکپارچگی در میان ملت‌های اسلامی، ایران نوع تازه‌ای از یک نظام سیاسی را برای جهان به نمایش گذارد که با تکیه بر فرهنگ ایرانی و داشتن ریشه در تفکرات اسلامی در پی گسترش نفوذ فرهنگی خود و رای مرزهایش بود. این بعد اخلاقی در سیاست خارجی، منبع عظیمی از قدرت نرم در جهان اسلام را در اختیار ایران قرار میداد.

پس از آن نیز محمد خاتمی با مطرح ساختن ایده «گفت‌هاگویی تمدن‌ها» توانست نقش مولفه‌های فرهنگی در سیاست خارجی ایران را در سطح جهان برجسته نماید. با گشودن باب تنش زدایی و گفتگو در سیاست خارجی و با بهبود بخشیدن به وضعیت جامعه مدنی در داخل به عنوان بخشی از جریان اصلاح طلبی، محمد خاتمی موفق شد تا طی ۸ سال زعامت ریاست جمهوری به سیاست خارجی قدرت و پویایی دهد. در واقع در این دوره است که مفهوم دیپلماسی عمومی به طور جدی وارد واژگان سیاسی ایران میگردد (موسوی خورشیدی، ۱۳۹۴: ۷۸).

دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی فرایندی است که در آن فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه میشود و خصوصیات منحصر به فرد فرهنگی ملتها در سطوح دو جانبه و چندجانبه ترویج می‌یابند. دیپلماسی فرهنگی به کشورها اجازه می‌دهد که با استناد به عناصر کلیدی و نفوذ دولتهای خود، به طور مستقیم با مخاطبان خارجی به علاوه مردم معمولی و رهبران افکار در ارتباط باشند. دیپلماسی فرهنگی هنر اجرای سیاست‌های فرهنگی توسط نمایندگان رسمی کشورهاست.

در واقع منظور از دیپلماسی فرهنگی، فرایندی است که از طریق آن دولتها می‌توانند با توسل به ظرفیت‌ها، امکانات، توانمندی‌ها و ویژگی‌های فرهنگی خود بر افکار عمومی و

رفتار سایر کشور اثر بگذارند. دیپلماسی فرهنگی ابزاری است که یک دولت با به معرض گذاشتن نمادهای فرهنگی، جذابیت هایی را در افکار عمومی مردم سایر کشورها ایجاد میکند تا از طریق نفوذ ناشی از آن، بر رفتار و سیاستهای دولت بیگانه اثر گذارد (رحمانی، ۱۳۹۴: ۷۰). هیچ گروه، ملت یا فرهنگی نمی تواند کناره گیر یا مستقل باقی بماند. سه نوع توسعه بین المللی تماس بین فرهنگها را بدیهی و نافذتر کرده است که شامل:

- تکنولوژی جدید و سیستمهای اطلاع رسانی

فن آوری با ایجاد توسعه در دو زمینه سیستم های زمینه حمل و نقل و نظامهای ارتباطی موجب تسریع ارتباط بین فرهنگها شده است.

- تغییر در جمعیت جهان

افزایش روز افزون جمعیت سلامت کره زمین را به خطر انداخته است. به همین دلیل کشورها برای جلوگیری از برخورد و منازعات، حفاظت از منابع طبیعی محدود زمین و آلودگی آن باهم به تعامل پرداختند.

- تغییر در صحنه اقتصادی دنیا

جهانی شدن تجارت، افزایش شرکتهای بین المللی، وابستگی اقتصادی کشورها به همدیگر نیز عاملی دیگر برای نزدیکی فرهنگهاست (سماور، پورتر، ۱۳۷۹: ۲۷-۳۴).

یکی از ارکان اصلی دیپلماسی فرهنگی که نقش بسزایی در افزایش قدرت نرم کشورها دارد دیپلماسی آموزشی است. بهره گیری از حوزه آموزش بخصوص آموزش عالی در جهت بسط تفاهم و درک مشترک و تصویر سازی مثبت از کشور را می توان دیپلماسی آموزشی نامید. امروزه بسیاری از کشورها با استفاده از کانالهای ارتباطی دانشگاهی در پی افزایش قدرت نرم خود در دیگر کشورها هستند. قشر تحصیل کرده دانشگاهی به عنوان مهمترین قشر در آینده یک کشور تاثیر مهمی در تفاهم و هم سویی فرهنگی میان ملت ها خواهد داشت.

اهداف دیپلماسی فرهنگی

- کسب وجهه بین‌المللی در میان سایر اقوام و ملتها و تاثیرگذاری بر رفتار آنها
- ایجاد نهادهای علمی-فرهنگی جهت برقراری روابط پایدار بین ملتها
- فهم دقیق در اصول موجود در فرهنگ سایر ملتها و کاوش در ریشه‌های فرهنگی اجتماعی آنها با هدف درک متقابل
- تامین منافع ملی

مولفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ارزشها و آموزه‌های دین مبین اسلام شکل گرفته است و این امر ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران را از دیگر نظام‌های حال حاضر جهان متفاوت کرده است. بر این اساس میتوان گفت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی و منبعث از ارزشهای پایه و بنیادین نظامی اسلامی و زمینه‌های زیر است:

- ارایه تصویری روشن از فرهنگ ایرانی-اسلامی به عنوان یکی از تمدن‌های فاخر جهان
- ارایه تصویری روشن و شفاف از نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظریه ولایت مطلقه فقیه و مردم‌سالاری دینی
- تصویرسازی جذاب، مناسب و اقناعی از مواضع، عملکرد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی (مبارزه با صهیونیسم، تروریسم و نظام سلطه جهانی، حمایت از محور مقاومت، حمایت از مردم مظلوم فلسطین، لبنان، عراق، سوریه و ...، همگرایی و وحدت جهان اسلام و ...) (قربانی و محمدی، ۱۳۹۶: ۲۸).

جایگاه ازبکستان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اهمیت استراتژیک جمهوری ازبکستان به این دلیل است که در قلب آسیای مرکزی بین دو رود مهم سیر دریا و آمو دریا قرار گرفته است. این کشور با تمامی کشورهای منطقه و

افغانستان مرز مشترک دارد. ازبکستان با ۳۲ میلیون نفر پرجمعیت ترین کشور در منطقه است که با فرهنگ اسلامی پیوندی دیرینه دارد. به لحاظ فرهنگی، مردم برخی از مناطق این کشور از قبیل سمرقند و بخارا هنوز هم به زبان فارسی صحبت می کنند و آداب سنن باستانی ایرانی را همچنان میتوان در این مناطق دید و حتی تاجیک های مقیم در این کشور خاستار احیا و گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی هستند. به همین خاطر ترس از احیای فرهنگ ایرانی و رشد حرکت های اسلامی موجب اعمال فشار و محدودیت ها شده و با وقایع یازده سپتامبر بهانه ای به دست دولت اسلام کریم اف افتاد تا فشار را بر گروه های اسلامی دو چندان کند. همچنین کنگره آمریکا مبلغ ۱۶۰ میلیون دلار به ازبکستان کمک نمود (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۲۲). وجود منابع سرشار انرژی و دیگر معادن مهم مانند اورانیوم در این کشور، بازار بزرگ مصرف برای کالاهای ایرانی و باصادرات به دیگر کشورهای منطقه و ادعای رهبری این کشور بر منطقه موارد دیگریست که اهمیت این کشور را در سیاست خارجی ایران بیش از پیش افزایش داده است.

اشتراکات فرهنگی ایران و ازبکستان

۱. دین مشترک

ازبکستان و مخصوصا شهرهای سمرقند و بخارا به عنوان مرکز فرهنگی در آسیای مرکزی نقش مهمی در تعالی فرهنگ اسلامی داشته اند. اگرچه اسلام اولین دینی نیست که در ازبکستان گسترش یافته است ولی به جرعت میتوان گفت که مهمترین و تاثیرگذارترین دین در ازبکستان بوده و هست. در حدود هشتاد و هشت درصد مردم ازبکستان مسلمان هستند. اسلام جایگاه والایی در هویت و وحدت کل مردمان آسیای مرکزی قبل و بعد استقلال این جمهوری ها داشته است. آسیای مرکزی محل تماسهای بشری و روابط متقابل فرهنگی و تبادل افکار بوده است و کیش های متعددی در آن تبلیغ شده و در طول دوره

هایی گسترش یافته‌اند، با این حال پس از ظهور اسلام، این مکتب توحیدی به صورت اعتقاد غالب در منطقه در آمد (سنایی، ۱۳۵۸: ۲).

۲. اشتراکات فرهنگی و تاریخی

احساس تعلق مردم ازبکستان به فرهنگ اسلامی، ایرانی و ترکی باعث رشد آن شده است. در بین دو کشور ارتباط تاریخی و فرهنگی آنچنان ریشه دار است که می‌توان آنرا از قدیمی‌ترین مورد در جهان دانست. در دوران اسلامی فصل تازه‌ای در رابطه فرهنگی و هنری ایران با این سرزمینها آغاز شد. در قسمتی از این دوران نهضت فرهنگی اسلامی و زبان و ادبیات فارسی در آسیای مرکزی تمرکز یافته بود و این همان دورانی است که شاهد پیدایش ادب پارسی است.

رودکی شاعر بزرگ ایرانی اهل قریه رودک در اطراف سمرقند بود، ابو نصر فارابی دانشمند بزرگ اسلامی متعلق به همین ناحیه است. دو تن از بزرگترین دانشمندان ایرانی در قرن چهارم و پنجم یعنی ابوریحان بیرونی و ابوسینا بترتیب متعلق به خوارزم و بخارا هستند (تراب زاده و بقیه، ۱۳۷۳: ۲۲۴). شاعران، ادبا، و دانشمندان بی‌شمار دیگری را نیز میتوان نام برد که فرهنگ و تاریخ دو کشور را بهم وصل میکند و باعث رشد و تعالی فرهنگ ایرانی-اسلامی شده‌اند.

۳. اشتراکات زبانی (بیش از ۳۰ درصد مردم این کشور به زبان فارسی صحبت می‌کنند)

واژگان زبان ازبکی اساساً ترکی است ولی حاوی عناصر مهمی از واژگان قرصی عربی و فارسی است (تراب زاده و بقیه، ۱۳۷۳: ۲۳۰). ضمن اینکه ساکنان دو شهر بزرگ این کشور سمرقند و بخارا اصالت تاجیکی دارند و همچنان به زبان فارسی صحبت می‌کنند. در سال ۱۹۳۰ رژیم شوروی نوشتار فارسی را ابتدا به یک گونه فارسی اصلاح شده و سپس با نوشتار لاتین تغییر داد و در نهایت آنرا با سیریلیک جایگزین کرد تا بتدریج با جایگزین

کردن خط سیریلیک و زبان روسی پیوندهای دیرینه مردم این منطقه را با ایران قطع کند (k.Das, 2016: 67).

رویکرد جمهوری اسلامی ایران در ازبکستان

• رویکرد ایدئولوژیک

جمهوری اسلامی ایران در سالهای اولیه استقلال جمهوری های آسیای مرکزی از جمله ازبکستان، تامین اهداف و منافع ایدئولوژیک را مدنظر داشت. ماهیت انقلاب اسلامی و ایدئولوژیک بودن سیاست خارجی بر تعاریف ایران از تهدیدها و فرصتها تاثیر زیادی داشته است (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۶). این رویکرد به دلیل تمرکز بر ارزشهای انقلابی و اسلامی تاثیر منفی بر دولتمردان ازبکستان داشت و حساسیت آنها را نسبت به فعالیت های اسلامگرایی جمهوری اسلامی را در ازبکستان سکولار برانگیخت.

• رویکرد فرهنگی

ازبکستان کشور مهمی در منطقه آسیای مرکزی است که زمینه های مشترک فراوانی با جمهوری اسلامی ایران دارد. ازبکستان به دلیل میراث فرهنگی مشترک همواره از اهمیت ویژه ای در سیاست خارجی ایران برخوردار بوده است. هویت مشترک ایرانی-اسلامی می تواند باعث روابط نزدیک با این کشور باشد. ایران بر این باور است که فرهنگ مشترک می تواند به توسعه روابط کمک کند و باعث همکاری های بیشتر دو کشور در منطقه گردد. توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری ازبکستان از همان روزهای آغازین استقلال این کشور در دستور کار مسئولین ایران قرار گرفت و ایران جزو اولین کشورهایی بود که استقلال این ازبکستان را به رسمیت شناخت و متعاقب آن، روابط دیپلماتیک خود را با این کشور پایه گذاری و سپس اقدام به تأسیس نمایندگی فرهنگی در این کشور کرد.

بر همین اساس به دلیل شوق به فراگیری زبان فارسی در ازبکستان، رایزنی فرهنگی سفارت ایران در تاشکند با همکاری مراکز علمی، اقدام به تاسیس کرسی های زبان فارسی و اتاق های ایران نموده است که به تعدادی از آنها اشاره می گردد؛
دانشگاه دولتی خاورشناسی تاشکند (راه اندازی اتاق اول ایران در سال ۱۹۹۹ و دومین اتاق ایران در سال ۲۰۰۵)؛

دبیرستان زبان های خارجی یونس آباد (راه اندازی اتاق ایران در سال ۲۰۰۲)؛
دبیرستان زبان های خارجی صابر رحیم اف (راه اندازی اتاق ایران در سال ۲۰۰۰)؛
دانشگاه دولتی تربیت مدرس نظامی گنجوی تاشکند (راه اندازی اتاق ایران در سال ۲۰۰۲ و گسترش آن در سال ۲۰۰۵)؛

دانشگاه اسلامی تاشکند (راه اندازی اتاق ایران در سال ۲۰۰۳)؛
دانشگاه ملی ازبکستان موسوم به میرزا الغ بیک (افتتاح اتاق ایران در سال ۲۰۰۴ اتاق زبان فارسی در دانشکده فلسفه دانشگاه ملی ازبکستان؛
اتاق زبان فارسی در حوزه علمیه کوکلاش؛

دانشگاه دولتی تربیت معلم استان تاشکند شهر انگرین (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۵)؛
دانشگاه دولتی سمرقند (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۳)؛
دانشگاه دولتی بخارا (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۳)؛
دانشگاه دولتی ترمذ (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۰)؛

دانشگاه دولتی اورگنج (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۳). (رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاشکند ۹۵/۰۴/۱۵) (دهشیری، طاهری، ۱۳۹۵: ۲۵).

دولت ایران تاکید دارد که فرهنگ ایرانی-اسلامی به توسعه روابط با این کشورها کمک کرده، درک متقابل و برقراری ثبات و هماهنگی منطقه ای را امکانپذیر می کند. مرزهای فرهنگی ایران خیلی وسیعتر از مرزهای سیاسی آن است. داشتن سابقه ای طولانی از فرهنگ غنی ایرانی، ایران را وادار می سازد تا با اشتیاق بیشتری مسایل آسیای مرکزی را

دنبال نموده و سعی نمایند تا از اشتراکات تاریخی و فرهنگی مسیر را برای دیگر حوزه های سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی هموار سازند (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۹۵).

آسیب شناسی در حوزه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور و باز تعریف ارزشها و مفاهیم دینی و شدت تاثیر آن بر جنبه های فرهنگی و تحولات ارزشی مفهوم سیاستگذاری بیش از پیش تحت تاثیر جنبه های ارزشی و ایدئولوژیک قرار گرفت (مقتدائی و ازغندی، ۱۳۹۵: ۱۶). سیاست گذاری و سیاست های فرهنگی در هر نظام باید با مبانی حاکم بر آن نظام هماهنگ باشد و اگر چنین نباشد، آن نظام در بلندمدت مبانی مشروعیت خود را از دست خواهد داد و دوام نخواهد یافت. این سیاستها در خارج از کشور نیز می تواند در روابط با کشورها تاثیرات متفاوتی داشته باشد. اگر این سیاستها مطلوب و هماهنگ با سیاستهای کشوری خاص باشد باعث همگرایی و در غیر این صورت باعث واگرایی بین دو کشور خواهد شد.

انتظار این می رود که با اشتراکات تاریخی و فرهنگی که بین جمهوری اسلامی ایران و ازبکستان وجود دارد، بتوان بر پایه دیپلماسی فرهنگی به اهداف مورد نظر خود در این کشور رسید، اما آنچه که از زمان به استقلال رسیدن این کشور تا به حال شاهد بوده ایم عدم برنامه ریزی مدون و بلندمدت و نبود اراده و علاقه کافی در دستگاه دیپلماسی برای بهره برداری از این حوزه مهم برای گسترش روابط بوده است. در حالی که رقبای ایران با تمام پتانسیل موجود در حال فعالیت در این کشور هستند. برای مثال ترکیه به عنوان یکی از رقبای منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه اقدامات بی شماری در حوزه فرهنگی صورت داده است؛ از تاکید و تلاش برای احیای پان ترکیسم تا احداث مدارس و دانشگاه ها و همچنین اعطای بورس های تحصیلی به دانشجویان. به عقیده سیاستگذاران آموزشی ترکیه، فعالیت های آموزشی با ارزشترین سرمایه گذاری ترکیه در آسیای مرکزی است و در بلندمدت پیامدهای مثبت بسیاری برای ترکیه و این کشورها به همراه خواهد داشت.

دانشجویانی که در ترکیه تحصیل می‌کنند پس از اینکه به کشورشان برگشتند، پست‌های مهم را به دست خواهند گرفت و انتظار می‌رود آنها به گسترش روابط کشور خود با ترکیه و افزایش نفوذ ترکیه در منطقه کمک نمایند (دهشیری، طاهری، ۱۳۹۵: ۱۸).

چالش دیگر جمهوری اسلامی ایران سیاست مهار آمریکا بوده است. آمریکایی‌ها همواره از گسترش و تعمیق روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی از جمله جمهوری ازبکستان ناخشنود و سعی دارند چنین وانمود کنند که مردم آسیای مرکزی پس از فروپاشی کمونیسم الگوی سیاسی و اقتصادی خویش را از نظام‌های لائیک فراه خواهند گرفت. آنها با چنین تبلیغاتی می‌خواهند که توفیق ایران را در تشکیل یک نظام مستقل بر اساس هویت اسلامی نادیده بگیرند. ایالات متحده همچنین با وارد ساختن اتهاماتی نظیر دخالت ایران در فعالیتهای تروریستی و نادیده گرفتن حقوق بشر سعی دارد زمینه دوری این ملتها را از ایران فراهم سازد (حاتمی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

من حیث المجموع تقابل اسلام شیعی و انقلابی با اسلام سنی ارایه شده در چارچوب نظام سکولار جمهوری ازبکستان، نفوذ فرهنگی و زبانی قدرتهایی چون روسیه و ترکیه، وهابیت عربستان، تبلیغات وسیع ضد ایرانی از سوی قدرتهایی فرامنطقه‌ای چون ترکیه و آمریکا را باید مهمترین چالشهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران درحوزه فرهنگی در جمهوری ازبکستان دانست (علویان، کوزه گر کالجی، ۱۳۸۸: ۸۲).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران چگونه میتواند از ظرفیتهای فرهنگی و تاریخی در ازبکستان بهره‌برد؟ جمهوری اسلامی ایران اشتراکات فرهنگی و تاریخی بسیاری با جمهوری ازبکستان دارد که میتواند زمینه‌ساز افزایش قدرت نرم در این کشور شوند. شناخت این ظرفیتهای و برنامه‌ریزی مدون و بلندمدت همراه با اراده کافی سه عامل مهم برای رسیدن به این مهم هستند. در کنار اهمیت شناخت اشتراکات، تفاوتیهای نیز بین دو فرهنگ وجود دارد که

باید با درک آنها از آنها اجتناب کرد، زیرا عدم شناخت این تفاوت ها و اصرار در آن باعث حساسیت در آن کشور می شود و گاه از آن به عنوان نفوذ و حتی دخالت تعبیر خواهد شد. برای مثال فعالیتهای تبلیغی شیعی در این کشور به عنوان تبلیغات اسلامگرایی افراطی تعبیر شد در حالی که تاکید فقط بر دین اسلام و نه شیعه یا سنی میتواند باعث نزدیکی دو ملت شود، یا استراتژی صدور انقلاب را توسعه طلبی جمهوری اسلامی تلقی کردند. باید این واقعیت را پذیرفت که نظام حکومتی این کشور سکولار است و رفتار متناسب با این کشور بر اساس واقعیت صورت گیرد. همچنین در این کشور نظام اقتدارگرا حاکم هست که رییس جمهور حرف اول و آخر را خواهد زد؛ پس باید با شناخت منابع فرد گرایانه و شخصیتی بیشتر بر او کار کرد.

دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند که بر افکار عمومی مردم ازبکستان با تاکید بر ارزشهای مشترک ایرانی-اسلامی به منظور پیشبرد منافع ملی خود تاثیر بگذارد. دیپلماسی فرهنگی ایران باید به اولویتهای سیاست خارجی کشور در کشورهایی که در حوزه تمدنی ایران قرار دارند تبدیل شود، زیرا در عصر نوین این هنجارها و ارزشها برتر هستند که قدرت کشورها را برای نفوذ و اثرگذاری بالا می برند. برای مثال میتوان گفت که در جنگ سرد آنچه که دولتمردان آمریکا را می ترساند، گسترش و نفوذ کمونیسم بود تا بمب های هسته ای شوروی. این دیپلماسی همچنین می تواند راه را برای دیگر همکاری های اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی باز کند.

دولتمردان جمهوری اسلامی همواره باید تلاش کنند با رفع سو برداشتها و کنار گذاشتن سیاست هایی که مقامات ازبکستان نسبت به آنها حساس هستند اقدام به اعتمادسازی کنند و در این راستا گامهای بلندی را بردارند. زیرا اگر حساسیت در مقامات این کشور ادامه پیدا کند فعالیتهای فرهنگی ایران را در این کشور محدود یا حتی از آن جلوگیری خواهند کرد، که این باعث جلوگیری نفوذ و تاثیر بر مردم این کشور خواهد شد. نفوذ و تاثیر فرهنگی بر افکار عمومی ازبکستان به این دلیل دارای اهمیت است که همین افکار عمومی

بر سیاست خارجی این کشور تاثیرگذار خواهند بود و زمینه نزدیکی دو دولت را فراهم خواهند کرد. آنچه که دیپلماسی فرهنگی ایران را در ازبکستان موفق خواهد کرد ایجاد اعتماد و اعتبار خواهد بود.

قشر دانشگاهی و تحصیلکرده دو کشور نیز می‌توانند به نزدیکی دو ملت کمک بسزایی کنند. تبادل دانشجو و اساتید، بورس تحصیلی، ساخت مدرسه و دانشگاه از جمله اقداماتی است که نقش مهمی در ترویج فرهنگ و اثرگذاری در راستای نیل به اهداف مورد نظر دارد. اما متأسفانه در طی سالهای گذشته اقدام چشمگیری در این زمینه صورت نگرفته است، هیچ توافقنامه‌ای بین دو دولت یا حتی دانشگاه‌های دو کشور برای تبادل دانشجو یا برنامه‌های علمی فرهنگی منعقد نشده است و همانطور که گفته شد فقط چند اتاق در دانشگاه‌های این کشور ایجاد شده است.

در کل می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران فرصتهای زیادی به لحاظ فرهنگی برای نزدیکی و تاثیرگذاری بر ازبکستان دارد که شامل اشتراکات تمدنی، زبانی و مذهبی می‌شود. اما در کنار این فرصتها چالشها و آسیبهایی وجود دارد که با برنامه ریزی صحیح و کارآمد این چالشها را نیز می‌توان به فرصت تبدیل کرد.

منابع

- ۱) ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۸۴). «توسعه مناسبات ایران و آسیای میانه؛ ارایه راهبردها»، **مجله جغرافیا و توسعه**، شماره ۵، بهار و تابستان.
- ۲) آدمی، علی، نوری، مهسا (۱۳۹۲). «دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت ها و چالش های پیش رو»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۸۲، پاییز.
- ۳) آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۴۷-۱۷۸.
- ۴) اسلامی، محسن و ملکی عزین آبادی، روح اله (۱۳۹۷). «تحول مفهوم بازدارندگی در پرتو برجستگی امور معنایی در روابط بین‌الملل»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۷۹-۲۰۴.
- ۵) برجعلی زاده، محمد؛ جعفری، علی و کردی، ناهید (۱۳۹۸). «بررسی نقش رسانه‌های نوین در گسترش تروریسم در عرصه بین‌الملل»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۳۹-۱۷۲.
- ۶) تراب زاده، منیژه و بقیه (۱۳۷۳). **ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- ۷) جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
- ۸) حاتمی، تورج (۱۳۸۲). **برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: انتشارات خورزن، چاپ اول.
- ۹) خانجانی، قاسم (۱۳۹۸). «راه های مقابله با نفوذ فکری و فرهنگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)». **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱-۳۰.

- ۱۰) خضری، رویا (۱۳۸۸). «جایگاه فرهنگ در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، **فصلنامه خط اول رهیافت انقلاب اسلامی**، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز.
- ۱۱) دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۶-۷۷.
- ۱۲) دهشیری، محمدرضا و طاهری، مهدی (۱۳۹۵). «دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۹۴، تابستان.
- ۱۳) ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۴.
- ۱۴) رحمانی، منصور (۱۳۹۴). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن**، سال ششم، شماره پانزدهم، بهار.
- ۱۵) زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
- ۱۶) سماور، لاری ا، پورتر، ریچارد ای، استفانی، لیزا ا (۱۳۷۹). **ارتباط بین فرهنگها**، ترجمه غلامرضا کیانی و سید اکبر میرحسینی، تهران: انتشارات باز، چاپ اول.
- ۱۷) سنایی، مهدی (۱۳۸۵). «اسلام در آسیای مرکزی، مرکز فرهنگی مطالعات روسیه»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، بهار، سال اول، شماره ۱.
- ۱۸) علویان، مرتضی و کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۸). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان.
- ۱۹) قربانی گلشن آباد، محمد و محمدی، منوچهر (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، شماره ۵۰، پاییز.

۲۰) کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۹.

۲۱) مقتدائی، مرتضی، ازغندی، علیرضا (۱۳۹۵). «آسیب شناسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال دوازدهم، شماره ۳۴، بهار.

۲۲) موسوی خورشیدی، سید محمدجواد (۱۳۹۳). «نقش دیپلماسی عمومی نوین در تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، سال دوم، شماره ۶، تابستان.

۲۳) نای، جوزف اس (۱۳۸۹). **قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل**، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذولفقاری، تهران: نشر دانشگاه امام صادق، چاپ چهارم، شهریور.

۲۴) نصیری، سوناز (۱۳۹۸). «نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی عراق)»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۹، شماره ۱، صص ۲۶۵-۲۸۷.

۲۵) واعظی، محمود (۱۳۸۷). **ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیانها و بازیگران)**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۲۶) یزدانی عنایت الله ودیگران (۱۳۹۱). «بررسی رویکرد امنیتی در آسیای مرکزی»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۷۹، پاییز.

27) K. Das, Bijaya (2016). *Russian Minorities in Central Asia and Russia_Central Asia Relationship*.